

# مسأله ازدواج



بگیرند!

- : جوانی ۲۳ ساله هستم می خواهم ازدواج کنم ولی برادران و پدر و مادرم به دلایل واهی نمی گذارند. چگونه حرمت آنها را نگهدارم؟!؟
- : دختری یثیم هستم. خانواده عمویم برای خواستگاری آمدند و من پذیرفتم. ولی برادرم بدلیل اختلافی که با پسرعمو دارد مخالفت کرد و مرا کتک زد و چند روز از خانه بیرون کردند که چرا اعلام موافقت کرده ام!
- : بیست ساله هستم، از پدرم درخواست ازدواج کردم؛ سر باتزی را بهانه آورد. اکتون ۱۳ ماه است خدمت را تمام کرده ام ولی باز هم پدرم حاضر نیست! خواهش می کنم با نامه ای ایشان را قانع کنید.
- : در چهارده سالگی باهائیم فلج شد. ولی پس از مدتی با معالجه یوسیه فیزیوتراپی اکنون می توانم راه بروم و در همان مرکز بهزیستی مشغول کارم. ماهی دو هزار تومان حقوق می گیرم. خواستگارانسی برایش آمدند. ولی پدر و مادرم می گویند او نمی تواند خانه را اداره کند! من می توانم، چون می خواهم. ولی آنها قانع نمی شوند. می خواهم از خانه فرار کنم تا از پدر و مادرم که مرا بدبخت کردند انتقام بگیرم. اکنون دیگر برای من خواستگار نمی آید.
- : در هفده سالگی به اجبار پدرم با دختری که مایل نبودم ازدواج کردم. اکتون از او دو فرزند دارم ولی به هیچ وجه اخلاق او برای من قابل تحمل نیست. زندگی بر من تلخ و دشوار شده است؛ نمی خواهم او را طلاق بدهم بخاطر فرزنداتم ولی می خواهم همسر دیگری اختیار کنم. او رضای نمی شود. آیا رضایت او شرط است؟!؟
- : دختری نجیب و متعهد را برای هسری انتخاب کرده ام. پدر و مادر هر دو رضای هستند ولی داماد آنها رضای نیست و پدرم به این دلیل عقب نشینی کرده. آیا رضایت داماد نیز شرط

با اینکه در مجله شماره ۳۰ مقاله ای تحت عنوان ازدواج داشتیم ولی به پیروی از دستور پدران امید امام و امت حضرت آیه الله العظمی منتظری دام ظلّه، بار دیگر لازم دیدیم تذکراتی در باره این موضوع مهم و حیاتی داده شود که متأسفانه در مورد رفع مشکلات آن کمتر فکر و برنامه ریزی می شود و به دستورات حیاتبخش اسلام در این زمینه نه تنها توجهی نمی شود و اهمیت نمی دهند بلکه با پیروی و الهام گرفتن از فرهنگ مبتذل غرب، صریحاً با احکام مقدس اسلام در تشرهای درشت، مخالفت می شود و عملاً خلاف حکم صریح قرآن دآوری می کنند.

مشکل اجتماعی ازدواج را از جهات مختلف می توان مورد بررسی قرار داد ولی ما ترجیح می دهیم در این زمینه سری بزنیم به نامه های بسیار که از افراد مختلف با سلیقه ها و روحیه های گوناگون و رسمها و سنتهای متفاوت از جاهای مختلف کشور به ما می رسد که حتماً آن نامه ها و نامه های دیگر که به مراکز مختلف فرستاده می شود، با همه گستردگی، یک از هزار فریادهای مخفی و ناله ها و شکوه های درونی جامعه است که چه بسیارند آنان که با این مشکل به خود می پیچند و دم بر نمی آورند. بنابراین، مناسب است در اینجا نمونه هایی کوتاه از نامه های مردم در این باره بیاوریم:

- : من گروهیان دوم... دو سال است در جنبه خدمت می کنم ولی هر وقت به مرخصی می روم با ناراحتی بسیار بر می گردم... می خواهم ازدواج کنم، ولی پدر و مادرم می گویند زود است!
- : ما دو خواهریم، هر دو مایلیم ازدواج کنیم و از این خانه که ساکنین آن ضد انقلاب و بی دینند راحت شویم ولی هر چه خواستگار می آید، مادرم رد می کند و می گوید من همین دو دختر را دارم. می خواهم تحصیل کنند و ائلاً دیلم



- : ما هر دو به ازدواج راضی هستیم. دختریتیم است ولی عموهای او اجازه ازدواج به اونمی دهند و قلدری می کنند چاره چیست؟
- : همسر من به دلیل سردی جنسی زندگی را بر من تلخ کرده است به پزشک مراجعه کرده ایم ولی مفید واقع نشده او برای من نمی تواند یک همسر باشد ولی بدلیل داشتن فرزند، نمی خواهم او را طلاق بدهم. اجازه ازدواج مجدد به من نمی دهد و دادگاه رضایت او را شرط می داند!!
- : شما می گوئید: ازدواج... من به هر جا رفته ام با اینکه مشدین و به اصطلاح حزب اللهی هستند ولی صریحاً به دلیل پاسدار بودن مرا رد می کنند. می گویند پاسدار عمری ندارد!!
- : در روستای ما حداقل صدویست هزار تومان مهریه و طلا و جواهرات و شیربها! لازم است تا ازدواجی صورت بگیرد. از کجا بیاوریم!؟

### خطر بزرگ!

اینها نمونه هائی بسیار اندک از نامه های مردم است که حکایت از یک خطر بزرگ و آتشی زیر خاکستر می کند. بدون شک اگر مشکل ازدواج حل نشود. بستن بوتیکها، گشتهای امر بمعروف و نهی از منکر، شلاق، چوبه دار، نصیحت، خطبه جمعه، دعای کمیل، ترساندن از عذاب الهی و صدها راه دیگر نمی تواند جامعه را از فساد نجات دهد. خداوند خود بهتر می داند که دستور ازدواج داده است. رسول اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» این بزرگترین جامعه شناس تاریخ بشر، خوب درد جامعه را می داند که می فرماید: **إِذَا جَاءَ كُمْ مَن تَرَوْهُنَّ حُلَّةً وَدَبَنَهُ فَرُوجُهُ، إِلَّا فَعَلُوهُ نَكْنُ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ»** (وسائل ۱۴ ص ۵۱). اگر کسی که دیانت و اخلاق او مورد پسند شما است، به خواستگاری آمد، او را بپذیرید، اگر چنین نکنید در زمین فتنه و فساد بزرگ بر پا می شود. او خوب می داند که می فرماید: **«مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْآخِرِ»** (وسائل ۱۴ ص ۵) هر کس ازدواج کند نصف دینش را بیمه کرده است و تنها در آن نصف دیگر به تقوی نیاز دارد. و همچنین می فرماید: **«شِرَارُ أُمَّتِي عُزْرَابُهُا»** (بخارج ۱۰۰ ص ۲۲۲) اشرار امت من کسانی هستند که ازدواج نکرده اند. آری! چنین است: اگر ملاحظه کنید اکثر شرارتها از جوانان مجرد است. تروریستها، بمب گذارها، تجاوزگران به مال و ناموس مردم، دزدان، غارتگران و راهزنان اکثراً مجرد هستند. آن کس که زن و فرزند دارد مشغول کار خویش است و حداقل به ملاحظه خانواده خود و از ترس تجاوز دیگران به مال و ناموس خود، تجاوز نمی کند.

این مطلب اینقدر واضح و روشن است که ظاهراً نیازی به توضیح نیست ولی معلوم نیست چرا یک برنامه صحیح و فکر اساسی برای آن نمی شود؟ چرا جلوی این اجعاف و ظلم پدران و مادران که شیربها و غیره مطالبه می کنند گرفته نمی شود؟ چرا هنوز این فکر غلط در

جامعه حکمفرما است که ازدواج مانع تحصیل است؟! اگر ازدواج مانع تحصیل است مجرد مانع زندگی و مانع درستکاری و تقوی است، بلکه تجرد در اکثر موارد مانع پیشرفت در تحصیل نیز می باشد. ازدواج مایه آرامش است و از تششت و تفرق حواس جلوگیری می کند. و در نتیجه درس خواندن نتیجه بهتری خواهد داد.

### انتقاد... پیشنهاد...

پیشنهاد و توقع اینست که: رهبران جامعه، ائمه جمعه، خطباء، وعاظ، سخنرانان، گویندگان و نویسندگان، همه اقشار جامعه را آگاه سازند:

به پدران بگویند: از حقوق فرزند بر پدر این است که هرگاه بعد بلوغ جنسی رسید در امر ازدواجش اقدام کند تا چه رسد به این که خود او درخواست کند و پدر اجابت نماید!

به مادران بگویند: این شیربها چیست که شما می خواهید؟ آیا حق مادری قابل معامله و فروش است؟! مگر نه این است که حق مادر پس از حق خداوند بالاترین حق است؟ آیا این ننگ برای یک مادر نیست که حق مادری خود را با پول عوض کند؟! و انگهی این چه توهینی است که به جنس زن می کنید که شیر پسر بلاعوض است و برای شیر دختر عوض می خواهید؟ البته مادر طبق آیه قرآن حق دارد برای شیر دادن فرزند از همسر خود مطالبه اجرت کند ولی فرقی میان پسر و دختر نیست. آن هم از پدر مطالبه کند نه از داماد شیری که مادر به فرزند داده است هیچ عوضی ندارد و شیربها یک امر خلاف شرع است که مادران از روی جهل و نادانی آن را بصورت مانع بزرگی در راه ازدواج مطالبه می کنند.

### شیربها!!

حضرت امام در تحریر الوسیله بیانی دارند که ترجمه آن باختصار این است: «اگر شیربها را داماد به پدر یا مادر دختر با طیب نفس و تمایل بدهد ظاهراً گرفتن آن اشکالی ندارد ولی در عین حال می تواند داماد آن را پس بگیرد مگر این که تلف شده باشد و اگر از روی اکراه می دهد و تنها به دلیل کارشکنی آن اشخاص (پدر و مادریا هر کس دیگر) و برای رها کردن دختر از دست او که به زور مانع ازدواج دختر است با این که خود به همان مهر راضی است و شیربها و مانند آن را همان فامیل (پدر یا مادریا دیگری) تحمیل می کند در این صورت گرفتن آن از داماد حرام است و مصرف کردن آن حرام و هر وقت داماد مطالبه کند باید به او پس داده شود چه عین آن مال باقی باشد و چه تلف و مصرف شده باشد.» (تحریر الوسیله ج ۲ ص ۲۹۸).

گفته می شود طبق بعضی رسومات شیربها را می گیرند که به مصرف جهیزیه برسانند ولی این امر اشتباه است. همان مهریه دختر را دو قسمت کنند بخشی از آن را بعنوان مهر حاضر دریافت نمایند و آنچه را برای پشتوانه دختر یا مانعی در راه طلاق قرار می دهند و به وقت مطالبه محول می کنند، بعنوان مهر غایب ثبت نمایند. البته باید



توجه داشت که همه مهر ملک دختر است و پدر و مادر باید با اجازه و موافقت او بمصرف او برسانند. اگر خود او مایل باشد می تواند جهیزیه را از مهریه حاضر او تهیه کنند. و ضمناً این جهیزیه های سنگین، بزرگترین مانع ازدواج است هم داماد نباید مطالبه چنان جهیزیه ای کند و هم پدر و مادر دختر و خود او نباید به طمع جهیزیه شیک و مدرن و گران قیمت مهر سنگین یا شیر بهای زیاد بگیرند. همه گرفتاری جامعه ما از این وابسته بودن به تجملات و تزئینات است که به صورت تصاعدی، روزافزون می شود گمان نکنید رسول اکرم «ص» که ما همه خود را پیرو او می دانیم، اگر اکنون در میان ما بود چنین وضعی را تحمل می فرمود. بی گمان با همه این رسمهای غلط بشدت مبارزه می کرد. و این مغازه های یرزرق و برقی که چشم دختران و مادران را خیره کرده است و یران می نمود تا ریشه فساد و تباهی از بین برود.


### قیمت بر دختران نگذارید!!

به پدران و مادران بگویند: بفکر سعادت و خوشبختی دخترتان باشید نه بفکر پول جمع کردن و دختر فروختن. این مهری که اکنون رسم شده قیمت گذاشتن است مگر زن کالا است؟! بهانه نیاورید: تحصیل، مهرزیاد، طلا، جواهرات، شیربها، خانه، ماشین، کار پردرآمد و صدها بهانه دیگر. اگر از سوی شارع مقدس، ولایتی برای پدر در نظر گرفته شده است، بمنظور مصلحت اندیشی برای دختر است نه مصلحت مادی پدر! لذا اگر بهانه بی مورد بیاورد ولایت او ساقط است. همان گونه که در رساله حضرت امام آمده است و خوشبختانه طبق مصاحبه منتشره، دادگاه مدنی در این گونه موارد، به جا و به مورد دخالت می کند و اجازه ازدواج را علیرغم مخالفت پدر می دهد. وانگهی ولایت پدر تنها برای تشخیص کفو و شوهر مناسب است و گرنه طبق فتوای منتشر شده از حضرت امام پدر و مادر حق تعیین مهر را ندارند و این امر بستگی به رضایت پسر و دختر دارد.

می آید در تعیین مقدار مهریه توافق دختر و پسر شرط است یا آنکه والدین آنها هم حق اعمال نظر دارند؟  
ج: بستگی به توافق دختر و پسر دارد.

بیت

بگنج برانق خنجر و سپردارم



موارد بسیاری از نامه ها متضمن همین جهت است که دختر به دلیل وارستگی و ایمان و تحولی که در اثر انقلاب در او پیدا شده با مهر سنگین مخالف است و مایل است با یک فرد متدین و متعهد ازدواج کند گرچه فقیر باشد، پاسداری روحانی باشد ولی پدر و مادر به دلیل خوابهای شیرینی که برای خود یا دخترشان دیده اند، منتظر

اتومبیل کادیلاک و کاخ و کار پردرآمدند گرچه آن شخص نه دین داشته باشد و نه اخلاق! نه مهر و محبتی در میان آنان به وجود آید و نه خانواده ای گرم و با صفا تشکیل شود!!

### شرایط خواستگار

ولی از نظر اسلام دین و اخلاق و امانتداری مهم است. رسول اکرم فرمود: «إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خُلُقَهُ وَدِينَهُ فَرَوْجُهُ إِلَّا تَعْلَمُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ» اگر خواستگاری که اخلاق و دین او مورد رضایت است آمد به او زن بدهید. اگر نکند فتنه و فساد بزرگ در زمین برپا می شود و در روایت دیگر، دین و امانت ذکر شده است. البته به این معنی نیست که تمکن از نفقه و مصرف خانه را هیچ ملاحظه نکنند، و دختر خود را به یک فرد بی کار و تن پروری بدهند که برای نان خود گدائی می کند در روایات آمده است: «الْكُفْرَانُ يَكُونُ عَقِيبًا وَعِنْدَهُ بَسَارٌ» بنابراین در کفامت خواستگار عفت و پاکدامنی و «پسار» یعنی تمکن از انفاق و مصرف خانه معتبر است البته کسی دارای پسار است که تنگدست نباشد و بتواند به وسیله کاری، خانه را اداره کند نه این که ثروتمند باشد!

به جوانان بگویند: ازدواج کنید تا اکثر مشکلاتی که سبب سردرگمی، حواس پرتی، بیماری جسمی و روانی، عقده های قلبی، روی آوردن به خودنمایی های نامشروع، پرسه زدن اطراف بوتیکها، بی خوابیها، ناراحتیها، استمناء، گناهان بزرگ، چشم دوختن به ناموس مردم و صدها ناراحتی دیگر شده است برطرف شود. در توضیح المسائل حضرت امام آمده است: «کسی که به واسطه نداشتن زن به حرام می افتد واجب است زن بگیرد» (ساله ۲۴۵۰). چرا این مسأله را اکثر مردم نشنیده اند و یا نشنیده می گیرند؟! و چرا بعضی از ائمه جمعه در خطبه های خود، طلاب را از ازدواج منع می کنند به دلیل اینکه مانع تحصیل است؟ آیا می دانید که اکثر افراد جامعه بلکه همه آنها بجز افراد بسیار کمی اگر ازدواج نکنند با این وضع انحطاطی که از فرهنگ غرب به ارمغان آمده است، حتماً و قطعاً دچار گناه می شوند نامه های بسیاری می رسد از افرادی که خود می گویند: ما ظاهراً بسیار متدین و متعهدیم که برادران به ما اقتدا می کنند و واقعاً هم می خواهیم خوب باشیم. جای ما در نماز جمعه، دعای کمیل، مجالس و محافل مذهبی، کتابخانه ها است ولی در مواقع فشار غریزه جنسی اراده خود را از دست می دهیم و دست به گناه می زنیم.

آری! نیرومندترین غریزه انسان غریزه جنسی است. در یک گزارش علمی آمده بود: در آزمایشی که روی موش بعمل آمده است با توجه به اینکه ثابت شده که موش در طایع و غریزه انسان بسیار نزدیک است، مشاهده شده که تحمل او در مقابل گرسنگی و تشنگی به مراتب بالاتر از تحمل در برابر فشار غریزه جنسی است! بسیاری از جوانان از ما درخواست می کنند که دهانی یا دوانی برای



ضعیف کردن این نیرو معرفی کنیم. اجازه می‌خواهند که از کافور استفاده کنند. چرا؟ معلوم نیست سرکوب کردن این غریزه از نظر شرعی جایز باشد. خداوند آن را برای مصلحتی عظیم چنین نیرومند آفریده است. البته شک نیست که دامن زدن به آن مطلوب نیست و در مواردی جایز نیست. بحمدالله از نظر وضع اجتماعی مظاهر شهوت‌رانی که موجب دامن زدن به آن است بسیار کم شده در رژیم سابق و جامعه‌های دیگر از در و دیوار شهوت می‌بارید و در جامعه‌های پیگانه هنوز هم می‌بارد. سینما، رادیو، تلویزیون، مجله، روزنامه، خیابان، کوچه و بازار، مغازه‌ها، مجامع، محافل همه و همه مظاهر شهوت است، خدا را شکر می‌گوئیم که به برکت این انقلاب این همه آتش خانمانسوز خاموش شد. ولی نباید فراموش کنیم که باز هم غریزه جنسی نیرومندترین غریزه است. و آن مظاهر فساد نیز به همین دلیل رواج می‌یافت و سوداگران استعمارگر از آن حداکثر استفاده را می‌بردند.

بهرحال شک نیست که سرکوب کردن این نیرو نه صلاح است و نه جایز، باید آن را در راه مشروع و صحیح به کار برد.

## ولایت برای همه کس نیست!

به مادران، برادران، عموها، دامادها، و غیره هم بگویند: اگر ولایتی در امر ازدواج دختر داده شده است تنها برای پدر و جد پدری است آن هم با آن محدودیتی که ذکر شد. شما حق دخالت ندارید. البته مستحب است که دختر با مادر و برادر بزرگترش مشورت کند ولی قلدری کردن و خود را ولی او دانستن جرمی است بزرگ دادگاهها باید این مسأله را به جامعه گوشزد کنند که چنین فردی در صورت شکایت دختر، مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و برای او مجازات سختی باید در نظر بگیرند که جلوی این ظلمها و تجاوزها گرفته شود.

## ازدواج و فقر مادی

اکثر جوانان برای ترک ازدواج، نداشتن پول و ثروت را بهانه می‌آورند. و اکثر پدران، خواستگاران را به دلیل فقر و ناداری جواب منفی می‌گویند. این مسأله از دو جهت باید بررسی شود:

۱ - خداوند وعده داده است: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» اگر خواستگاران فقیر باشند بدانند خداوند از فضل و کرمش آنها را بی‌نیاز می‌کند و به همین دلیل ائمه علیهم السلام مکرر به کسانی که شکایت از فقر داشتند دستور ازدواج دادند. امام صادق «ع» فرمود: مردی نزد پیامبر «ص» از فقر و تنگدستی شکایت کرد. فرمود: ازدواج کن. پس ازدواج کرد و روزی بسیار شد. در روایت دیگری راوی از امام صادق «ع» می‌پرسد: آیا راست است این حدیث که مردم می‌گویند: مردی نزد پیامبر «ص» از تنگدستی

شکایت کرد و آن حضرت او را به ازدواج امر فرمود و او چنین کرد. باز آمد و از فقر شکایت کرد باز هم امر به ازدواج کرد تا سه بار. آیا این حدیث راست است: امام صادق «ع» فرمود آری! حق است. روزی با زن و فرزند همراه است. (وسائل ج ۱۴ ص ۲۰).

و ممکن است گفته شود این آیه به خواستگاران نیز گوشزد می‌کند که از فقر نهراسید و غصه روزی را نخورید و بدانید که خداوند آگاه به نیازهای شما و رزاق و دارای فضل واسع است. بلکه اگر ترس از فقر و غصه روزی با بدبینی به خداوند همراه باشد می‌توان گفت: نوعی گناه قلبی است. و در روایت است: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ خِيفَةَ الْعَبَلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ بِاللَّهِ الْفَنِّ» کسی که ازدواج نکند از ترس تنگدستی و مشکل زندگی، به خدا بدگمان شده است. و از رسول اکرم «ص» روایت شده است: «اتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقَ لَكُمْ» ازدواج کنید روزی شما بسیار می‌شود. و روایات در این زمینه متعدد است.

۲ - باید دید واقعاً فقر مانع ازدواج و دلیل رد خواستگاران است یا تقلید به تجملات و تمایل به زندگی پرزرق و برق. ممکن است کسی به مطلب اول ایراد بگیرد که ما ازدواج کردیم و ثروتمند نشدیم. این چگونه وعده‌ای است که در قرآن آمده است؟! برای پاسخ به این مطلب خوب است نظری به محیط طلاب حوزه بیافکنیم و ببینیم چگونه یک طلبه بخصوص در زمان گذشته با شهریه مختصر و بدون خانه و اتومبیل و کار پردرآمد ازدواج می‌کند و از فقر نمی‌هراسد و اتفاقاً روز بروز وضع زندگی بهتر می‌شود. آیا این توکل یک طلبه است که وعده خداوند را در مورد او عملی می‌سازد و بدبینی بدبینان است که موجب عقب ماندگی آنها در این امر است؟ شاید و شاید این قناعت طلبه است که او را مستغنی و بی‌نیاز می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْقَنَاعَةُ كَثْرُ لَا يَفْتَنُ» قناعت گنجی است پایان ناپذیر. اگر دقت شود اکثر مشکلات اقتصادی جامعه ما ناشی از رها کردن این گنج و روی آوردن به زندگی پرزرق و برق غربی و رفاه طلبی است. خداوند در این آیه نفرموده است اگر کسی ازدواج کند ما متعهد می‌شویم برای او اتومبیل و یخچال و لباسشویی تهیه کنیم بلکه اورایی نیازی نمی‌کنیم. بسیاری از این نیازهای جامعه ما نیاز کاذب است و روز بروز بر آن افزوده می‌شود. اصولاً انسان افزون طلب است و به هر مرحله از رفاه برسد ناراضی است و همیشه نظر به زندگی رفاهی بالاتر دارد. دستور ائمه علیهم السلام به مؤمنین این است که در امور زندگی دنیا همیشه به پائین‌تر نگاه کنید و خدا را شکر کنید برای دارائی خود نسبت به آنها و اقا در امور معنوی نظر به بالاتر کنید و سعی کنید در علم و ایمان و معرفت، خود را به آن مرحله برسانید.

به نظر می‌رسد سنی دولت بر تهیه کردن وسایل رفاهی بیشتر، برای قانع کردن افراد بیهوده است و کشورهای پیشرفته با این همه فعالیت روزافزون برای تأمین رفاه مردم خود حتی بقیمت تجاوز به



سرزمینها و ثروتهای دیگران و به قیمت گرسنگی و جان دادن هزاران آفریقائی و آسیائی توانسته‌اند و نخواهند توانست افزون‌طلبی ملت خود را اشباع کنند.

آیا فکر می‌کنید همه اعتصابها و تظاهرات کارگران در این کشورها به این دلیل است که حقوق آنها به احتیاجات زندگی نمی‌رسد؟ چنین نیست. بلکه از قرار مسموع اکثر آنها به دلیل افزونخواهی در عیاشی و خوشگذرانی است. شخص موقتی می‌گفت: در ایتالیا از برخی کارگران اعتصابی پرسیدم: به چه علت اعتصاب کرده‌اید؟ گفتند: حقوق ما برای بیش از یک بار کاپاره رفتن در ماه کفاف نمی‌دهد!! و این فرهنگ غربی دست و پاگیر فلج‌کننده خانمان‌سوز جامعه برانداز نکبت‌بار فاسد است که جامعه ما را نیز به کام خود فرو برده و با آن همه شهوت‌انگیزی رسم بر این شده است که ازدواج باید پس از تهیته منزل و لوازم لوکس خانه و اتومبیل و غیره باشد. اگر این قیود دست و پاگیر را کنار بگذاریم اکثر جوانان جامعه قادر به ازدواجند. اگر برای کار حتماً دنبال میز و صندلی و حقوق کلان و بیمه و بازنشستگی و خلاصه تنبلی و تن‌پروری نباشند و اگر برای خانه، چشم به کاخها و ویلاها ندوزند و اگر برای لوازم خانه به دهها وسیله رفاهی پرزرق و برق و فرشهای گران قیمت طمع نکنند و اگر بپذیرند که لذت و صفای زندگی مهر و محبت و صمیمیت است نه این تجملات و دکور، بدون شک اکثر افراد هم به ازدواج مایلند و هم بر آن قادر.

## ازدواج موقت

بسیاری از جوانان از ما می‌پرسند که راه و رسم ازدواج موقت چیست و چگونه می‌توان به آن دست یافت و از ما می‌خواهند که مورد یا بشیادی در این زمینه به آنان معرفی کنیم! البته پاسخ ما در مورد همه آنها یک چیز است: نمی‌دانیم. ولی نصیحتی به همه آنها داریم و آن این است که ازدواج موقت راه حلی برای مشکل جوانان مجرد نیست. این مانند خاکستری است که برای چند لحظه شعله‌آش را مخفی می‌کند و پس از چندی شعله و زهر از پیش سربر می‌آورد. ازدواج موقت راه حلی است موقت برای مشکل موقت. مثلاً اگر کسی برای مدتی کوتاه در مسافرت دور از همسر خویش باشد بخصوص در مسافرت‌های قدیم که ماهها طول می‌کشید ازدواج موقت می‌تواند وسیله خوبی برای دوری از گناه و انحراف باشد و همچنین برای افرادی که مانعی موقت دارند مانند تحصیل و غیره در شهر غربت مانند دانشجویان ولی برای عموم جوانان که به دلیل فقر مادی یا ادامه تحصیل می‌پندارند که نمی‌توانند ازدواج دائم کنند ازدواج موقت راه حل خوبی نیست زیرا گذشته از این که پس از پایان مدت ازدواج، فریزه جنسی سرکش‌تر و ناراحتی تجرد بیشتر می‌شود، انسان را دچار اعتیادی زشت و ناپسند می‌کند و پس از مدتی دوباره باید به سراغ موارد مناسب و بلامعات این در و آن در بزند و تدریجاً

روحیه تغییر ذائقه در او قوت می‌گیرد به حدی که حتی پس از ازدواج دائم نمی‌تواند دست از اعتیاد خود بردارد! و بسیار دیده شده که این گونه افراد حتی پس از ازدواج گرفتار فضاخت و رسوائی شده‌اند.

بنابر این به نظر نمی‌رسد ازدواج موقت مشکل جوانان مجرد جامعه را حل کند و بعید است که شارع مقدس آن را برای چنین موردی تشریح فرموده باشد بلکه ظاهراً همان گونه که گفتیم: به عنوان راه حلی موقت برای مشکل موقت در مسافرت و مانند آن که برای افراد خاصی در بعضی موارد پیش می‌آید و گفتن آن صلاح نیست، جعل شده است و البته مصلحت بسیار مهمی است و همانگونه که در روایات است بفرموده مولی امیرالمؤمنین «ع» اگر خلیفه دوم آن را منع نکرده بود هیچ کس زنا نمی‌کرد بجز افراد شقی و بدبخت. و این در صورتی است که جامعه از نظر ازدواج دائم در وضع سالمی باشد و آن همان وضعی است که خدا و رسول برای مسلمانان خواسته‌اند نه این وضع ناهنجاری که با الهام از فرهنگ غرب در جوامع ما به وجود آمده است.

## تعدد زوجات

مدتی پیش تصمیم بر این بود که در این باره مقاله‌ای منتشر سازیم. نه به دلیل اهمیت و ضرورت آن در جامعه و نه با تمایل به گسترش آن بلکه به دلیل برداشت غلطی که از آن شده که آن نیز ناشی از فرهنگ غرب است و به دلیل وجوب حمایت از احکام الهی. ولی همکاران وسوسه می‌کردند که نشر چنین مطلبی بانوان را خشمگین می‌سازد و از نظر تقیه اجتماعی مصلحت نیست البته به نظر می‌رسد وجوب نهی از منکر نسبت به تیرهائی که در مورد این مسئله بر خلاف حکم خدا منتشر شده است به حدی از اهمیت برخوردار بود که تحمل خشم بانوان و یاوران آنان را لازم می‌دانستیم ولی توافق به دست نیامد تا اینکه مطالب ارزنده و آموزنده حضرت آیه‌الله العظمی منتظری دام ظلّه راه را برای بحث مختصری در باره این مطلب گشود. گرچه ایشان به نکته مهمی اشاره فرمودند که مورد توجه نبود و آن ضرورت احیای این امر است در شرایط خاصی مانند جنگ که تلفات مردان بسیار است. بلکه همیشه به دلیل بیشتر بودن زنان و اینکه مردان بیشتر در معرض تلفند، تعدد زوجات یک ضرورت اجتماعی است.

## با احکام الهی مخالفت نوزید!

بهرحال سعی ما در این بخش از مقاله رسیدگی به این بحث از زاویه دیگر است و آن اهمیت حکم خداوند و حرمت ایستادگی در مقابل آن بلکه خطرناک بودن این امر حتی از نظر زندگی دنیوی است زیرا معصیت و گناه به آن اندازه خشم الهی را به دنبال ندارد



که توهین و کوچک شمردن احکام او، و این مطلب از ملاحظه حال اقوام پیشین روشن می شود همچنان که گناه علنی، عقاب بیشتری دارد اعلام مخالفت با حکم خداوند نیز خطر بسیار بزرگی در بر دارد. حکمی را که خداوند متعال با صراحت در قرآن بیان فرموده است، هیچ کس حق مصلحت اندیشی به دلیل حفظ نظم و غیره در مقابل آن را ندارد.

آیا با چنین حکم واضحی برای جمهوری اسلامی سزاوار است که در مجله و روزنامه و رادیو و تلویزیون بخش شود که ازدواج مجدد در جمهوری اسلامی جرم است و عامل آن مجازات می شود؟!

بلکه علناً اعلام شود که فلان شخص به دلیل ازدواج مجدد بدون رضایت همسر به هفتاد و چند ضربه شلاق و همسر دوم او به شش ماه زندان محکوم شد؟! آیا رضایت خواهران از رضایت خداوند مهمتر است؟! و آیا نمی توان جامعه را روشن ساخت که این حکم خدا است و نباید در مقابل حکم مقدس او خم به ابرو آورد بلکه با کمال میل و رضایت باید پذیرفت؟! خداوند می فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (ای پیامبر) به خدای تو قسم، ایمان نیاورده اند مگر آنگاه که تو را حکم قرار دهند در آنچه اختلاف دارند و آن گاه به آن چه حکم می کنی در دل خود حرج و ناراحتی احساس نکنند و کاملاً تسلیم باشند. توجه کنید! تنها تسلیم ظاهری کافی نیست بلکه باید در دل خود احساس ناراحتی از حکم خدا کنند، این ایمان است.

### تسلیم در برابر حکم خداوند

ایمان مستلزم رضایت به حکم خداوند است و اما مسلمانی که در احکام الهی جستجو کند آنچه را به نفع خود می داند بپذیرد و آنچه را به ضرر خود می داند نپذیرد مصداق آن آیه است که «الَّذِينَ آمَنُوا بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَكَفَرُوا بِبَعْضٍ فَمَا جزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنكُمُ إِلَّا حِزْبٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا لِّلَّهِ بِمُغَابِلِ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره ۸۵) آیا به بعضی از دستورات کتاب خدا ایمان می آورید و به بعضی کافر می شوید؟ برای کسی که چنین باشد جز ذلت و خواری در زندگی دنیا و بازگشت در آخرت به سخت ترین عذابها نیست و خداوند از کردار شما غافل نیست.

### تفسیر آیه تعدد زوجات

خداوند فرموده است: «فَأَنكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِن جَعَلْتُمْ أَلا تَعِدُّوا فَوَاحِدَةً» (سوره آیه ۳). پس ازدواج کنید به آنچه میل دارید از زنان دو یا سه یا چهار زن و اگر بیم آن دارید که نتوانید عدالت برقرار سازید به یک زن اکتفا کنید.

بعضی از مفسران با آنکه خوب از عهده پاسخگویی به اشکال تراشی غریبان در این مسأله برآمده اند ولی به اصطلاح، حالت تدافعی به خود گرفته و ناخودآگاه تحت تأثیر حملات آنان چنین

و انمود کرده اند که حکم اولی در اسلام وحدت همسر است و تعدد تنها در شرایط خاصی مجاز است! حال آنکه از آیه کاملاً استفاده می شود که مسأله به عکس این توهم است و آنچه ابتداءً مطلوب شارع مقدس است تعدد زوجات می باشد و شرط برای وحدت همسر ذکر شده و فرموده است اگر بیم آن دارید که عدالت برقرار نشود به یک زن اکتفا کنید ولی برای تعدد همسر شرطی ذکر نشده است. و اما شرطی که در ابتدای آیه آمده است شرط این حکم نیست بلکه این جمله بجای جواب شرط است و لذا هیچ کس این حکم را مشروط به سرپرستی یتیمان ندانسته است. توضیح این مطلب احتیاج به بحث مفصلی دارد که جای آن نیست.

بلکه تعدد مقید به تمایل مرد شده است و این که «طاب لکم» در بعضی ترجمه ها به معنای زنان پاک ذکر شده صحیح نیست بلکه همانگونه که در میزان است این اجمالی از عدد است که تفصیل آن «مثنی و ثلاث و رباع» می باشد و معنای طاب لکم یعنی آن مقدار که خوشایند شما است.

و اما این تصور که تنها به کسی اجازه تعدد زوجات داده می شود که از روی هوی و هوس نباشد خلاف آیه و خلاف روایات بسیار و خلاف طبیعت انسان است. اصولاً انگیزه اصلی ازدواج هوی و هوس است ولی این هوس مشروع است بلکه از صفات حمیده انبیاء شمرده شده است و چنین نیست که حتماً باید انگیزه ازدواج تولید مثل باشد! جای تعجب است که در مقام پاسخگویی به ایراد غریبان شواهدی که ذکر می شود همه نشانگر این است که ضرورت اجتماعی مستلزم تشریح تعدد زوجات است در عین حال آن را یک حکم خاصی برای افرادی که مثلاً همسر اول آنها عقیم باشد و امثال آن پنداشته اند.

این عقب نشینی ناشی از هراس از حمله طرف مقابل است و اصولاً این یک تناقض گوئی است که با اقرار به ضرورت اجتماعی تعدد زوجات گفته شود که این حکم اختصاص دارد به دوران سابق که زندگی ساده و آسان بود و اکنون با توجه به پیچیدگی زندگی مادی، اجازه تعدد زوجات تنها باید به کسی داده شود که واقعاً بتواند زندگی آنچنانی برای همسران خود به تساوی فراهم آورد و تعدد همسر برای او واقعاً یک ضرورت باشد و نباید براساس هوی و هوس باشد. آیا این تناقض نیست؟ اگر تعدد زوجات یک ضرورت اجتماعی است چه فرقی میان جامعه امروز و دیروز است در آن جهاتی که موجب پیدایش این ضرورت است؟ آیا مردان بیشتر شده اند یا به عکس. وسایل مرگ و نابودی و جنگ بیشتر و پیشرفته تر شده است؟ آیا غریزه جنسی ضعیف شده یا با این همه نیرنگ و افسون نیرومندتر شده و ضرورت اجتماعی اکنون بیشتر احساس می شود؟ آیا به دلیل پیچیدگی زندگی مادی که چیزی بجز همان تقید به تجملات و تزیینات نیست یک ضرورت اجتماعی را باید نادیده گرفت یا به دلیل این ضرورت اجتماعی باید این تقیدات را از جامعه زدود؟ و آیا هوی و هوس چیزی بجز تعبیری زشت از همان



اشباع غریزه جنسی است که پایه و اساس ضرورت اجتماعی تشخیص داده شده است؟! باید با تلخی پذیرفت که این گونه برخوردها ناشی از هجوم تبلیغاتی فرهنگ غرب است که متأسفانه حتی دانشمندان و اسلام‌شناسان ما را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در اینجا بار دیگر این حقیقت روشن می‌شود که برای ایستادگی در مقابل این فرهنگ و ایجاد سنگر نفوذ ناپذیر برای پایگاه‌های اعتقادی و اجتماعی راهی بجز بازگشت به اصل تسلیم در مقابل حکم خدا و پذیرش بی‌چون و چرای آن نیست و هیچ نیازی به این تعلیلهای علیل نمی‌باشد. و ما باید این اصل مهم را در همه شئون اجتماعی و اقتصادی جامعه و در مقابل همه فرهنگها چه شرقی و چه غربی و در همه موارد چه آنجا که فلسفه‌اش روشن است و چه آنجا که روشن نیست به دقت رعایت کنیم.

باز می‌گردیم به معنای آیه مبارکه؛ ظاهراً روی همین مبنی که در معنای آیه ذکر شد و مطلق بودن امر به تعدد زوجات و مشروط بودن وحدت همسر، فقها تعدد زوجات را مستحب می‌دانند نه مباح. مرحوم سید در غرره می‌فرماید: «الاستحباب لا یزول بالوحدة بل التعدد مُستحبٌ ایضاً قال تعالی (فانکحوا ما طاب لکم...)» استحباب ازدواج با داشتن یک همسر زایل نمی‌شود بلکه تعدد نیز مستحب است به دلیل همین آیه. علما هیچکدام بر این مسأله حاشیه‌ای نزنند و من جمله حضرت امام دام‌ظله، بنابراین همه از این آیه استفاده مطلوبیت تعدد در اصل شرع کرده‌اند.

### مقصود از عدالت چیست؟

و اما مسأله عدالت که بعضی چنین پنداشته‌اند که برقراری آن در این زمان برای اکثر افراد غیرممکن است و امکان آن در این شرایط بسیار نادر است و باید دادگاهها در اجازه دادن بسیار سختگیری کنند، ناشی از عدم مراجعه به کتب فقهی در این زمینه است. اولاً عدالت شرط تعدد زوجات نیست همانگونه که گفته شد. ثانیاً عدالت تکلیف مرد است و اگر رعایت نکرد همسر او حق شکایت دارد چه همسر اول باشد و چه دوم نه این که وظیفه دادگاه باشد! بعضی از افراد از کلمه عدالت که تداعی ترازوی دادگستری می‌کند بدون توجه به محتوای آن چنین تصویری کنند، همینکه نام عدالت آمد امر مربوط می‌شود به دادگاه. و ثالثاً عدالت به آن معنی که هیچ فرقی میان آنها قائل نشود واجب نیست. خداوند می‌فرماید: «وَلَنْ تَسْتَبِيحُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ» هرگز نمی‌توانید عدالت را بطور کامل در میان همسران خود برقرار کنید ولی تمایل به یک طرف آن قدر نباشد که دیگری به حالی درآید که نه شوهردار است و نه آزاد. و از این تفریع روشن می‌شود که مراد از عدالتی که نفی شده است محبت قلبی نیست بلکه رفتار نیز لازم نیست که به یک نحو باشد. و لذا حضرت امام در تحریر الوسیله

می‌فرماید: «بُستَحَبَّ التَّسْوِيَةُ بَيْنَ الزَّوْجَاتِ فِي الْإِتْفَاقِ وَالْإِتْفَاقِ وَالْإِتْفَاقِ التَّوَجُّهَ وَالْمَوَاقِفَةَ» مستحب است مرد میان همسران خود فرقی قائل نشود در نفقه دادن و روی آوردن و خوشروئی و زناشویی... پس رعایت چنین عدالتی واجب نیست بلکه مستحب است.

بنابراین عدالتی که منظور است تنها در دو مورد است:

۱- حقوق واجبه همسر مانند نفقه. به این معنی که نفقه هر کدام را به مقدار واجب باید بدهد. ولی مانعی ندارد که مقدار غیر واجب به یکی از آنها اختصاص دهد گرچه مستحب است از چنین تبعیضی نیز بپرهیزد. همانگونه که در عبارت حضرت امام بود.

۲- تقسیم شها که این نیز خود تفصیلی دارد که در تحریر الوسیله آمده است و ما مختصری از آن را در مقاله حقوق همسران در شماره ۳۰ آوردیم.

### دشمنی با حکم خدا نکند!

خلاصه مسئله تعدد زوجات از این جهت که یک حکم الهی و مطلوب شارع مقدس است امری ثابت و روشن و همین کفایت است. و احتیاج به جستجوی علت تشریح نیست. اطاعت فرمان الهی برای هر فرد با ایمان بالاترین انگیزه است. بنابراین نباید خواهران در مقابل حکم خدا موضع خصمانه بگیرند. و اتفاقاً در جامعه اسلامی پیش از هجوم فرهنگ منحط غرب چنین حالتی که اکنون احساس می‌شود نبوده گرچه طبیعی است که هر زن مایل است تنها خود همسر شوهرش باشد ولی این عکس العمل حادی که اکنون مشاهده می‌شود از نکتهای تمدن غرب است.

و اما بحث از ضرورت اجتماعی آن و پاسخ ایرادهای غربیان بسیار مفصل است. به کتابهای مخصوص این بحث و تفاسیر در ذیل آیه ۳ سوره نساء مراجعه شود. بطور اجمال باید گفت: نه تنها مصلحت جامعه بلکه ضرورت آن ایجاب می‌کند که این مسأله بطور جدی مورد توجه قرار گیرد زیرا: ۱- عدد زنان بسیار بیش از مردان است. ۲- مردان بیشتر در معرض حوادث و نابودی هستند ۳- مدت نیروی جنسی مردان طولانی‌تر از دوران تعابیل جنسی زنان است، ۴- زنان مبتلا به عادت ماهانه و نفاس و در بسیاری از موارد سردی جنسی می‌شوند.

۵- زنانی که همسر اول خود را از دست داده‌اند غالباً به عنوان همسر اول مورد توجه قرار نمی‌گیرند. و در نتیجه اگر به عنوان همسر دوم نیز ممنوع باشند جامعه به فساد کشیده می‌شود. در میزان از «جان دیون پورت» نقل شده که گفته است: «قویترین عامل در شیوع زنا و فحشاء در جوامع مسیحی تحریم تعدد زوجات از سوی کلیسا است» و لذا اکثر مردان آنها رسماً زنانی را به عنوان معشوقه یعنی زن غیر شرعی خود دارند گذشته از مراکز فساد و فحشاء علنی!!

بقیه در صفحه ۶۶



آیا ما چنین جامعه‌ای را برای کشور و ملت مسلمان خویش خواهیم داشت؟

غریبها خود نیز در برخی موارد به ضرورت این امر اعتراف کرده‌اند. پس از پایان جنگ دوم جهانی کشورهای اروپائی دچار مشکل حادی شدند و آن بلا تکلیفی زنان همسر از دست داده بود که عدد آنها به میلیونها می‌رسید. بعضی از خیرخواهان آنها به فکر چاره‌جویی برآمدند و متوجه شدند که بهترین راه، اجازه تعدد همسر است بلکه گفته شده است که از دانشگاه «الازهر» برنامه اسلام در این باره را خواستند که براساس آن قانون تعدد زوجات را تنظیم کنند ولی کلیسای نابخرد که همیشه به دلیل تعصب ناپجائمانع پیشرفت تمدن بوده است این بار نیز موجب فلاکت و بدبختی جامعه اروپا شد و چنان فساد و فحشانی رواج یافت که دیگر کنترل آن به هیچ وجه ممکن نشد. گویا رهبران کلیسا این وضع را مرضی خداوند (والعیاذ بالله) می‌دانستند.

بار دیگر از همه خیرخواهان جامعه می‌خواهیم که مسأله ازدواج را بطور کلی مورد توجه بیشتری قرار دهند و مشکلات آن را برطرف سازند و مردم را نسبت به وظایف خود در این زمینه آگاه کنند.

والسلام علی من اتبع الهدی.



## حوادث و مناسبتهای مهم فروردین ماه امسال

دوم فروردین: هجوم مزدوران رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه (۱۳۴۲)

پنجم فروردین: سوّم رجب، شهادت امام علی النقی «ع» (۲۵۴ هـ. ق)

خروج رسمی ایران از پیمان استعماری سترو (۱۳۵۸)

دهم فروردین: به توپ بستن مجلس به دستور محمدعلی شاه (۱۳۸۵)

دوازدهم فروردین: روز جمهوری اسلامی ایران  
دهم رجب، ولادت امام محمدتقی «ع» (۱۹۵ هـ. ق)

پانزدهم فروردین: سیزدهم رجب، ولادت با سعادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام (۲۳ ق. هـ)

شانزدهم فروردین: قیام مردم آزاده آذربایجان به رهبری شیخ محمد خیابانی (۱۲۹۹)

هفدهم فروردین: پانزدهم رجب، وفات حضرت زینب «س» (۶۲ هـ. ق)

نوزدهم فروردین: شهادت آیه الله سید محمدباقر صدر و خواهرش بنت الهدی (۱۳۵۹)

بیستم فروردین: قطع رابطه ایران و آمریکا. (۱۳۵۹)

بیست و ششم فروردین: سالگرد شهادت آیه الله شیخ فضل الله نوری.

بیست و هفتم فروردین: بیست و پنجم رجب، شهادت امام موسی کاظم «ع» (۱۸۲ هـ. ق)

بیست و نهم فروردین: ۲۷ رجب، روز مبارک مبعث پیامبر اکرم «ص» (۱۳ سال ق. هـ)

روز ارتش جمهوری اسلامی

### فرم تقاضای اشتراک



خواهشمند است وجه اشتراک سده پاسدار اسلام را به حساب جاری ۶۰۰ بانک ملت شعبه مهدیه شهیدان قم واریز و فیش بانکی را همراه آدرس و مشخصات کامل خود به دفتر سده پاسدار اسلام قم صندوق پستی ۳۲۰ ارسال فرمائید.

تذکره:

۱- زبهای اشتراک یک سال ۶۰۰ ریال، دوسال ۱۲۰۰ ریال است.

۲- وجه اشتراک را می‌توانید از طریق تمام بانک‌های کشور به حساب جاری فوق واریز نمائید.

۳- در صورتیکه به بانک دسترسی نداشته‌اید وجه اشتراک را توسط اداره پست بیمه نمائید.

۴- احتیاج به بریدن این فرم نیست و کافی است مشخصات خود را شرح زیر در نامه‌ای جداگانه نوشته و ارسال نمائید.

۵- در صورت واریز وجه به بانک حتماً فیش بانکی ارسال شود.

اینجانب..... نام خانوادگی.....

شهرستان..... آدرس کامل.....

مبلغ به عدد..... حال از شماره..... به سده پاسدار اسلام مشترک شوم لذا مبلغ..... ریال توسط بانک..... به حساب جاری فوق واریز و فیش بانکی را به پست ارسال می‌نمایم.

لطفاً در موقع تمدید، شماره اشتراک را قید فرمائید